



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی
گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی

فرهنگ توصیفی معناشناسی با تاکید بر زبان آلمانی

پایان‌نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان‌شناسی همگانی

مؤلف:

شهره گودرزی

استاد راهنما:

سرکارخانم دکتر بلقیس روشن

استاد مشاور:

سرکارخانم دکتر پریسا درخشان مقدم

تأیید شده توسط 88

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به مادرم که قطره‌های نور در کلامش جاری بود، اویی که نگاهش

ستاره باران شبان روزگارم بود و خنده‌اش مرهم همیشگی دردهای بی‌کسی‌ام.

تقدیم به پدرم که دستان حمایتگرش پناهگاه تمام لحظه‌های زندگی‌ام است.

مرا بردباری و صبوری آموخت. اویی که بودنش افتخار زندگی من است.

انجام این پژوهش، حاصل راهنمایی‌های ارزشمند، کمک‌های بی‌دریغ و مهربانی بی‌پایان استادان بزرگوار می‌باشد:

سپاسگزارم از خانم دکتر بلقیس روشن که با راهنمایی‌های فکری، کمک‌های ارزنده و صبر و بردباری خود، موجب پیشبرد و به انجام رسیدن این پژوهش گشتند.

از خانم دکتر پریسا درخشان مقدم که با مهربانی و صرف زمانی انبوه و نظرات اصلاحی و تشویق‌های سازنده‌شان در طول انجام کار زحمت مشاوره این رساله را به عهده گرفتند.

و در اینجا لازم می‌دانم از زحمات تمام استادان بزرگوارم در گروه زبان‌شناسی، به خاطر صرفه‌هایی که از محضر استادی‌شان برده‌ام کمال تشکر را داشته باشم.

همواره خود را قدردان زحمات ایشان می‌دانم.

بحث معنایی زبان بر بنیاد توده‌ای بی‌شکل تجارب یا برداشت‌های ما از وقایع و پدیده‌های جهان بیرون قرار دارد و دستیابی به این تجارب و طبقه‌بندی آنها کاری است بس دشوار. زیرا عناصر معنایی لغزنده و گریزپا هستند، هم‌چنان‌که شن‌های روان گریزپا هستند.

(باطنی 93:1355)

چکیده

مجموعه حاضر با هدف معرفی و ارائه‌ی توصیفی برای اصطلاحات رایج در دانش معنی‌شناسی تهیه شده است. برای دستیابی به چنین هدفی سعی بر آن بود تا صرفاً به واژگان نقش‌مند در شاخه‌ی عمده‌ی معنی‌شناسی زبانی توجه شود. در حوزه معنی‌شناسی زبانی، به اصطلاحات در شاخه‌ای از این دانش، یعنی معنی‌شناسی نظری (Theoretical Semantics) و آنچه معنی‌شناسی کاربردی (applied semantics) نامیده‌ایم، اشاره شود. و هدف از تهیه‌ی این فرهنگ‌نامه معرفی توصیفی برای هر مدخل بوده است که برای مخاطب ویژه‌ی خود بویژه دانشجویان فارغ‌التحصیل رشته زبان آلمانی بتواند جامع و مانع باشد.

1. توصیف هر اصطلاح با الگوگیری از معتبرترین منابع موجود در زمینه‌ی معنی‌شناسی تهیه شده است.

2. در صورت نیاز، برای درک بهتر توصیف، از نمونه‌های فارسی استفاده شده است.

در اینجا لازم است که اصطلاحات در سه مدخل آلمانی، انگلیسی و فارسی عنوان شده است و معنی هر اصطلاح به صورت توصیفی و تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است.

مسئله‌ی این مجموعه نیز همچون تمامی دیگر فرهنگ‌هایی از این دست، در نوع خود ناقص است. پویایی دانش زبان‌شناسی، به ویژه در شاخه‌ی معنی‌شناسی در حدی است که بازبینی دائمی چنین مجموعه‌هایی را ضروری می‌سازد. ولی آنچه در این میان مهم می‌نماید، طرح اولیه‌ای است که بتواند مبنای تجدیدنظرهای بعدی قرار گیرد.

پیش‌گفتار

دلیل انتخاب این موضوع به عنوان پایان‌نامه، نیازی بود که خود در دوران تحصیل به وجود یک واژه‌نامه مبسوط در زمینه واژه‌نامه زبانشناسی با تاکید بر زبان آلمانی احساس می‌نمودم. این رساله بی‌آنکه مدعی ارائه هیچ‌گونه راه‌حل و یا پرکننده خلایی باشد، صرفاً می‌کوشد تا شاید بتواند کاستی‌ها و کمبودهای موجود در امر معادل‌سازی فارسی در این زمینه علمی را بنمایاند.

علیرغم همه مشکلات و مسائلی که در تهیه این فرهنگ وجود دارد و با همه تلاشی که انجام گرفته است، از آنجا که نخستین گام و اولین کوشش نگارنده در این زمینه است بی‌شک عاری از نقص نیست.

به هر حال، به علت علاقه و نیاز خاص به تهیه این فرهنگ، این مسئله با اساتید گرانقدر سرکارخانم دکتر روشن و سرکارخانم دکتر درخشان‌مقدم مطرح گردید، و بر بنده حقیر منت گذارده و زحمت راهنمایی را در این امر تقبل فرمودند. بدین خاطر همیشه رهین منتشان و سپاسگزار زحمات و راهنمایی‌هایشان هستم.

در اینجا لازم می‌دانم از زحمات همه استادان بزرگوار و گرانمایه گروه زبانشناسی، به خاطر صرفه‌هایی که از محضر استادیشان برده‌ام تشکر و قدردانی نمایم.

فهرست مطالب

چکیده

پیش‌گفتار

فصل اول - کلیات پژوهش

- 1-1 بیان مسئله و اهمیت آن ----- 2
- 1-2 انگیزه و هدف پژوهش ----- 3
- 1-3 روش پژوهش ----- 3
- 1-4 شیوه گردآوری داده‌ها ----- 4
- 1-5 کلید واژگان ----- 4

فصل دوم - مبانی نظری

- 2-1 معنی شناسی چیست؟ ----- 6
- 2-2 جایگاه معنی‌شناسی در زبان‌شناسی ----- 7
- 2-3 معنی‌شناسی و کاربردشناسی ----- 10
- 2-4 فرهنگ‌نویسی ----- 12
- 2-5 فرهنگ‌های زبان مبدأ و فرهنگ‌های زبان مقصد ----- 13
- 2-6 تعریف واژه‌نامه‌ها، لغت‌نامه و فرهنگ ----- 13
- 2-7 زبان‌شناسی پیکره‌ای ----- 14

فصل سوم - پیشینه پژوهش

- 3-1 سیر فرهنگ و فرهنگ‌نویسی در ایران ----- 17
- 3-2 گسترش فرهنگ‌نویسی ----- 19
- 3-3 فرهنگ‌نویسی در غرب ----- 20
- 3-4 مروری بر معناشناسی در آلمان ----- 22
- 3-5 تاریخچه فرهنگ‌های آلمانی در ایران ----- 25

فصل چهارم - فرهنگ‌نامه

- فرهنگ‌نامه ----- 27

فصل پنجم - نتیجه گیری و پیشنهادات

96	-----	5-1 جمع بندی کلی
96	-----	5-2 نتیجه گیری
98	-----	5-3 پیشنهادات
99	-----	کتابنامه
	-----	واژه نامه
	-----	Abstract

فصل اول:

کلیات پژوهش

مقدمه

نوشتن فرهنگ اصطلاحات علمی مسائل گوناگونی را در بردارد. در وهله اول تعیین حدود کار و شیوه ارائه آن به علت کثرت شمار واژگان و وسعت دامنه آن مشکل به نظر می‌رسد. همچنین چگونگی گزینش و تشخیص حوزه‌ی علمی معنی‌شناسی مربوط به رشته موردنظر نیز دارای اهمیت است. رشته زبان‌شناسی دارای حد و مرز قاطع و مشخصی نیست. این رشته با علوم و فنونی چون روانشناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، منطق، ریاضی، تاریخ، آموزش زبان، آناتومی، ترجمه و ... در می‌آمیزد که این امر گاه تالیف فرهنگ اختصاصی را برای آن بسیار مشکل می‌سازد. از آنجا که هدف فرهنگ‌نامه‌هایی از این دست رفع نیاز دانشجویان این رشته و رشته‌های زیربط است، به ناچار این گونه واژه‌نامه‌ها باید جامعیت نسبی در باب موضوع داشته باشد و به دلیل گستردگی دامنه‌های وسیع علم زبان‌شناسی، در این پایان‌نامه بخش تخصصی معنا در کاربردشناسی، و معنی‌شناسی درون‌زبانی با تاکید بر زبان آلمانی مورد توجه قرار گرفته و سعی بر جامع و کامل بودن در این زمینه شده است. مهمترین معیار برای انتخاب مدخل‌ها، مقبولیت عام آنها در نزد زبان‌شناسان در تخصص معناشناسی، با توجه به فرهنگ‌ها و مراجع ذکر شده در کتابنامه است. پیکره اصلی کار و اکثر اصطلاحات از فرهنگ‌نامه‌های *Lingustisches Wörterbuch 1, 2, 3* اتخاذ شده است و برخی از مدخل‌ها نیز از واژه‌نامه‌های موجود در کتاب‌های ترجمه شده یا تالیف به فارسی گرفته و تا حد امکان از آوردن اصطلاحات عام غیرفنی خودداری شده است.

این پایان‌نامه شامل 5 فصل است که در فصل اول کلیات پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، فصل دوم شامل مبانی نظری در زمینه معنی‌شناسی و زبان‌شناسی در ایران و آلمانی است، فصل سوم در مورد پیشینه تحقیق در زمینه فرهنگ‌نویسی، سابقه فرهنگ‌نامه و انواع آن در ایران و آلمان مورد

تحقیق قرار گرفته است، فصل چهارم فرهنگ‌نامه که اساس کار پایان‌نامه می‌باشد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و در فصل آخر به جمع‌بندی کلی و پیشنهادات و نتیجه‌گیری از کار پرداخته شده است.

1-1 بیان مسئله و اهمیت آن

تعریف مسئله

تدوین فرهنگ‌نامه با توجه به بضاعت فردی جهت عرضه به مجموعه فراگیران و زبان‌آموزان آلمانی و زبانشناسی صورت می‌گیرد و همچنین معادل‌های فارسی مناسب برای واژه‌های آلمانی کم‌کاربرد و نیز معادل‌های مناسب برای سایر واژه‌ها از زبان‌های دیگر فراهم می‌گردد.

با توجه به این که فرهنگ‌نامه خاص اصطلاحات معناشناسی می‌باشد، در اینجا به تعریف مختصری از معناشناسی می‌پردازیم، معناشناسی، با مطالعه معنا در زبان بشر سروکار دارد، که در این حوزه به بررسی چهار مبحث می‌پردازد: 1. ماهیت معنا؛ 2. اهمیت ساخت نحوی در تعبیر جمله‌ها؛ 3. نقش عوامل غیردستوری در فهم گفته‌ها و 4. تاثیر احتمالی زبان در تفکر (گرادی¹، 1380: ص 282).

سوال تحقیق

با مطرح کردن این سوال که آیا می‌توان مدلی برای تهیه فرهنگ توصیفی معناشناسی با تاکید بر زبان آلمانی ارائه نمود، پژوهش را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

¹ William O'Grady

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

- تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تاکنون فرهنگ توصیفی دو زبانه آلمانی - فارسی در زمینه معنانشناسی تدوین نشده است و با توجه به نیاز دانشجویان و اساتید زبان‌شناسی لازم است چنین فرهنگی تهیه گردد؛
- کمبود منابع و مأخذ در زبان مقصد نگارنده را بر آن داشت که در تهیه این فرهنگ‌نامه گامی کوچک برداشته شود؛

1-2 انگیزه و هدف پژوهش

هدف از این پژوهش تدوین فرهنگ‌نامه تخصصی معنانشناسی با توجه به فقر فرهنگ‌نامه زبان‌شناسی آلمانی - فارسی و همچنین ایجاد دسترسی به فرهنگ‌نامه برای دانشجویان و محققان زبان‌شناسی می‌باشد. همچنین با توجه به گرایش نگارنده به تحقیق و تفحص در حوزه معنانشناسی و فرهنگ‌نامه‌نویسی آلمانی - فارسی (دو زبانه) تصمیم به این کار گرفته شد.

1-3 روش پژوهش

روش کار در این پژوهش به صورت توصیفی - تطبیقی صورت گرفته است که برای هر اصطلاح توصیفی در مقابل آن قرار داده شده است و در داخل متن‌ها اگر واژه یا متنی با ابهام مواجه گردیده است از روش تطبیقی با مراجعه به کتاب‌های در دسترس مورد بررسی قرار گرفته است. این فرهنگ حدوداً مشتمل بر 80 اصطلاح در زمینه معنانشناسی نظری و کاربردی است. در تهیه این فرهنگ از چندین کتاب و مقاله در رشته معنانشناسی نظری و کاربردی که به طور مستقیم یا

غیرمستقیم با موضوع پایان‌نامه مرتبط بود استفاده گردیده است. که البته منبع اصلی کار کتاب *Lingustisches Wörterbuch 1, 2, 3* بوده است و واژگان در سه مدخل آلمانی، انگلیسی و فارسی عنوان شده‌اند و هر یک از واژگان به صورت توصیفی بیان شده و در هر کجای متن که نگارنده با مشکل معنا مواجه گردیده از معادل‌هایی که با متن برابری داشته استفاده گردیده است.

1-4 شیوه گردآوری داده‌ها

جمع‌آوری داده‌ها به صورت تطبیقی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است، به این معنا که معادل‌هایی از کتاب‌های مختلف در زمینه معناشناسی و زبان‌شناسی با روش مقایسه و ترجمه مورد بررسی قرار گرفته است و برخی از مدخل‌ها نیز از واژه‌های موجود در کتاب‌های ترجمه شده یا تالیف به فارسی، مورد استفاده قرار گرفته است.

در فصل بعد عناوینی همچون معنی‌شناسی چیست؟، دیدگاه‌های مختلف در مورد معنی‌شناسی، کاربردشناسی، معنی‌شناسی کاربردی، جایگاه معنی‌شناسی در زبان‌شناسی و فرهنگ‌نویسی و انواع آن و ... مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

1-5 کلید واژگان

در این بخش کلید واژگان پایان‌نامه شامل زبان‌شناسی، معنی‌شناسی، فرهنگ‌نویسی، فارسی و آلمانی می‌باشد که برای هر کدام به اختصار توضیحی داده می‌شود.

- زبان‌شناسی دانشی است که به مطالعه جنبه‌های گوناگون زبان‌شناسی و تاحدی، به بررسی تاثیر

متقابل زبان و سایر جنبه‌های فرهنگ و رفتار انسان می‌پردازد.

- معنی‌شناسی که به مطالعه علمی معنی می‌پردازد.

- فرهنگ‌نویسی شاخه‌ای فعال و پررونق از زبان‌شناسی کاربردی به شمار می‌آید که از تمام

نظریه‌ها و مطالعات واژگان‌شناسی بهره می‌گیرد تا نیازهای متنوع و روزافزون کاربران را تامین

کند.

- و زبان‌های فارسی و آلمانی که واژگان این دو زبان در حوزه معناشناسی تخصصی به صورت

توصیفی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

فصل دوم:

مبانی نظری

1-2 معنی‌شناسی چیست؟

آن شاخه زبان‌شناسی که بیشتر به مطالعه معنی الگوهای زبان می‌پردازد معنی‌شناسی نام دارد.

(باطنی، 1378: ص 18)

صفوی (1383: ص 26) می‌نویسد: «اگر زبان‌شناسی را مطالعه علمی زبان بدانیم، پس معنی‌شناسی

را نیز باید مطالعه علمی «معنی» فرض کنیم.» وی (همان) در ادامه می‌افزاید: «زبان‌شناسان از هر

منظری که به زبان بنگرند، در این نکته متفق‌القول هستند که مطالعه‌ی علمی در این دانش، توصیف

پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌نگاری است. این توصیف باید از چنان

صراحتی برخوردار باشد که بتوان صحت و سقم آن را محک زد.»

آنچه در این پایان‌نامه مورد نظر است معنی‌شناسی زبانی نام دارد. معنی‌شناسی زبانی، بخشی از

دانش زبان‌شناسی به شمار می‌رود و از اصلاح *semantique* فرانسه نشأت می‌گیرد که برای نخستین

بار از سوی برآل معرفی شد. در این نوع معنی‌شناسی، توجه معطوف به خود زبان است و

معنی‌شناسی با مطالعه‌ی معنی به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنی از طریق

زبان است و در اصل بازنمودهای ذهنی آدمی را باز می‌کاود.» (وی، همان: ص 28)

پالمر (1374: ص 13) اظهار داشته است: «معنی‌شناسی اصطلاح فنی است که به مطالعه معنی

اطلاق می‌شود و معنی‌شناسی بخشی از زبان‌شناسی را که مطالعه علمی زبان است، تشکیل می‌دهد.»

«یکی از رشته‌های اصلی زبان‌شناسی معناشناسی است که به مطالعه معنی زبان می‌پردازد که این عبارت نیز در فلسفه و منطق کاربرد دارد اما در فلسفه و منطق همانند زبان‌شناسی به معناشناسی نمی‌پردازد.» (کریستال¹، 1988: ص 410)

2-2 جایگاه معنی‌شناسی در زبان‌شناسی

صفوی (همان: ص 34) می‌نویسد: «بسیاری از زبان‌شناسان الگویی را برای زبان‌شناسی معرفی می‌کنند که در یک سر آن آواشناسی و در سر دیگر معنی‌شناسی قرار دارد.» بعضی از زبان‌شناسان، الگویی را برای دستور در نظر می‌گیرند که از سه بخش واج‌شناسی، نحو، معنی‌شناسی تشکیل شده است.

«این نگرش مبتنی بر این اعتقاد است که انسان از آواها برای انتقال معنی استفاده می‌کند، پس زبان با آوا آغاز و به معنی ختم می‌شود، ولی آیا به واقع چنین است؟ آیا به واقع می‌توان بدون در نظر گرفتن معنی مثلاً به مطالعه واج‌ها، تکواژه‌ها یا ساخت نحوی جملات پرداخت؟ تک‌تک این بخش‌ها نیاز به معنی دارد. افزون بر این، برای درک معنی بسیاری از جملات زبان، تنها خود زبان کافی نیست، بلکه جهان خارج از زبان را نیز باید در نظر بگیریم، پس منطقی است که مدعی شویم، نمی‌توان سطح یا بخش مستقلی برای مطالعه‌ی معنی در نظر گرفت و معنی‌شناسی را شاخه‌ای هم‌ارز با دیگر شاخه‌های مطالعه‌ی زبان از قبیل واج‌شناسی، صرف یا نحو تلقی کرد.» (وی، همان: ص 35)

پالمر (همان: ص 20) معتقد است: «معنی‌شناسی را در چارچوب زبان‌شناسی قرار می‌دهد و مضمون آن را در این حالت مشخص می‌کند. در آغاز می‌توان فرض کرد که معنی‌شناسی یکی از اجزاء یا سطوح زبان‌شناسی نظیر آواشناسی یا دستور است.» از این گذشته تقریباً تمامی زبان‌شناسان

¹ D. Crystal

به طور صریح یا ضمنی، الگویی از زبان‌شناسی را پذیرفته‌اند که در یک سر آن معنی‌شناسی و در سر دیگر، آواشناسی قرار دارد و دستور در حد فاصل آنها واقع می‌شود (البته این بدان معنی نیست که تنها همین سه سطح وجود دارد).

وی (همان: ص 22) می‌افزاید: «معنی‌شناسی بیشتر مجموعه مطالعاتی است که کاربرد زبان را در ارتباط با جنبه‌های گوناگون تجربه، اعم از زبانی و غیرزبانی، مسائل مربوط به گفتگوکنندگان و دانش و تجربه آنها در شرایطی که بخش خاصی از زبان موردنظر است، مورد بحث قرار می‌دهد.»

یول (1988: ص 112) بر این فرض است که: «معناشناسی و کاربردشناسی، هر دو مربوط به جنبه‌هایی از معنا در زبان می‌شوند. به طور کلی، معناشناسی با توصیف معنایی کلمه‌ها و جمله‌ها سروکار دارد و کاربردشناسی به مشخص کردن منظور گوینده مربوط می‌شود.»

کریستال (1988: ص 411) در فرهنگنامه‌اش آورده است: «در زبان‌شناسی مطالعه خواص معنایی زبان‌های طبیعی مورد تاکید واقع می‌شود (تا زبان‌های منطقی). عبارت‌های زبان‌شناسی، اغلب برای آشکارسازی تشخیص به کار می‌رود. در روش‌های متفاوت زبان‌شناسی تاثیرات فلسفی یا روان‌شناسی به نمایش گذاشته می‌شوند. لئوناردو بلومفیلد «رفتارشناس» به کاربرد جنبش رفتارشناسی در روان‌شناسی اشاره می‌کند، که فقط معنا را در رفتار مشهود و قابل اندازه‌گیری محدود می‌کند.» این رویکرد به خاطر بدبینانه بودنش این‌گونه نتیجه‌گیری شده بود که علم معنی‌شناسی قادر به آشکارسازی رفتار نیست، در زبان‌شناسی پس از بلومفیلد معنی‌شناسی بیشتر مورد بی‌توجهی قرار گرفت و از سال‌های 1960 به شکل مناسب مورد توجه قرار گرفته است.

فرث¹ برای بیان معنی در معنی‌شناسی از بینش مالینوفسکی² (1898-1942) مبنی بر این که معنی صورت‌های زبانی را براساس بافت موقعیت باید توضیح داد پیروی می‌کرد. (اگرادی، 1380: ص 284)

مالینوفسکی مساله نظریه ویژه معنی و زبان را ارائه نمود. او در بررسی معنی بافت موقعیت را اساس بینش خود قرار داد. جمله را داده اصلی زبان و نیز ابزار اجتماعی بسیار مهم می‌دانست. او معنی هر گفتار را بر پایه مجموعه‌ای از شرایط و نیز چگونگی تاثیر آن بر آنها توصیف می‌کرد. مالینوفسکی معتقد بود که معنی هر گفتار تنها در بافت موقعیت آن مشخص می‌شود، و بنابراین معنی را برابر کاربرد می‌دانست.

«سی.ک. آگدن³ و «آی.ا. ریچاردز⁴ از اولین زبان‌شناسانی بودند که در زمینه معنی‌شناسی کتابی با عنوان «معنای معنی» در سال 1923 منتشر کردند.

دانش درون زبانی و دانش برون زبانی

صفوی (1383، ص 42) می‌نویسد: «معنی واژه‌ها در ذهن اهل زبان انباشته شده است و اگر وجود چیزی را به نام «ذهن» قبول داشته باشیم، پس معنی باید نوعی دانش به حساب آید. حال مساله این است که آیا چنین دانشی را از جهان خارج کسب می‌کنیم یا این دانش را با تحلیل داده‌های زبانی به دست می‌آوریم؟»

به عبارت ساده‌تر، آیا دانش درون زبانی⁵ با آنچه دانش برون زبانی⁶ نامیده می‌شود، تفاوت دارد؟

¹ J.R. Frith

² Malinowski

³ C.K.Ogden

⁴ I.A.Richards

⁵ Linguistic Knowledge

⁶ Encyclopedic Knowledge